

سوره اعراف (۷)

مکی و شامل دویست و شش آیه
به نام خداوند بخشنده مهربان

المص. (۱)

قرآن کتابی است که به تو نازل شده. اشکالی از آن در سینه‌ات نباشد تا با آن به مردم هشدار بدهی و برای افراد باایمان تذکری باشد. (۲)

از آنچه از خداوندتان به شما نازل شده (از قرآن) پیروی کنید و از اولیایی غیر از آن پیروی نکنید. توجهی که پیدا می‌کنید و افرادی که متوجه آن می‌شوند کم هستند. (۳)
چه بسیار شهرهایی که ما نابود کردیم. عذاب ما هنگام شب یا در استراحت روزانه بر آن‌ها وارد شد. (۴)

وقتی عذاب ما بر آن‌ها وارد شد سخنشان فقط این بود که ما ستمکار بودیم. (۵)
ما از افرادی که پیغمبر برای آن‌ها فرستادیم و همین‌طور از پیغمبران سؤال خواهیم کرد (که چه کردند). (۶)

و آنچه کرده‌اند را با اطلاع کامل برای آن‌ها بیان می‌کنیم. وقتی آن کارها را می‌کردند ما غایب نبودیم. (۷)

سنجش اعمال آن‌ها در آن روز از روی حق خواهد بود. کسانی که وزنه اعمال خوبشان سنگین باشد رستگارند. (۸)

و کسانی که وزنه اعمالشان سبک باشد افرادی هستند که به آیات ما ظلم می‌کردند و خودشان ضرر کرده‌اند. (۹)

شما را در زمین به قدرت رساندیم و وسایل زندگی شما را فراهم کردیم. ولی کم سپاسگزاری می‌کنید. (۱۰)

ما شما را خلق کردیم و بعد صورت‌بندی کردیم و بعد به فرشتگان گفتیم: به آدم سجده کنید. همه سجده کردند غیر از ابلیس که سجده نکرد. (۱۱)

خدا به او گفت: وقتی به تو امر کردم که سجده کن چه چیزی تو را از سجده کردن باز داشت؟ شیطان گفت: من از آدم بهترم، مرا از آتش (انرژی) آفریدی و او را از خاک (ماده). (۱۲)

خدا گفت: از آن پایین برو، سزاوار تو نیست که در مورد آن تکبر بورزی، بیرون برو که تو پست هستی. (۱۳)

شیطان گفت: تا روزی که آدم‌ها دوباره زنده می‌شوند به من مهلت بده. (۱۴)
خدا گفت: به تو مهلت داده شد. (۱۵)

شیطان گفت: چون مرا به اشتباه انداختی، من سر راه راست تو (به کمین آن‌ها) می‌نشینم. (۱۶)

و از جلو و عقب و راست و چپ سراغ آن‌ها می‌روم و بیشتر آن‌ها را سپاسگزار نخواهی یافت. (۱۷)

خدا گفت: از اینجا با خواری، و رانده‌شده بیرون برو. جهنم را از تو و همه افرادی که از تو پیروی کنند پر می‌کنم. (۱۸)

ای آدم، تو و زنت ساکن بهشت شوید و از هر جای آن خواستید بخورید ولی به این درخت نزدیک نشوید، چون ظالم خواهید شد. (۱۹)

شیطان آن‌ها را وسوسه کرد تا آلت‌های جنسی آن‌ها را که از آن‌ها پوشیده بود برایشان آشکار کند، و به آن‌ها گفت که خدا شما را فقط به خاطر این از نزدیک شدن به این درخت منع کرده که اگر از آن بخورید دو فرشته می‌شوید یا عمر جاوید پیدا می‌کنید. (۲۰)

و برای آن‌ها قسم خورد که من خیرخواه شما هستم. (۲۱)

در نتیجه آن‌ها را فریب داد. چون آدم و زنت از آن درخت چشیدند آلت‌های جنسی آن‌ها برایشان آشکار شد، و شروع کردن که آن را با برگ درختان بهشت بپوشانند. خداوند به آن‌ها گفت: آیا شما را از نزدیک شدن به این درخت منع نکردم و نگفتم که شیطان دشمن آشکار شما است؟ (۲۲)

آن‌ها گفتند: خداوند، به خودمان ظلم کردیم، و اگر ما را نیامرزی و به ما رحم نکنی از زیانکاران خواهیم بود. (۲۳)

خدا به آن‌ها گفت: پایین بروید. بعضی از شما دشمن بعضی خواهید بود. در زمین محل و وسیله زندگی تا پایان عمرتان (تا قیامت) وجود دارد. (۲۴)

خدا گفت: در آن زنده می‌شوید و در آن می‌میرید و دوباره (برای رسیدگی به حسابتان) از آن بیرون آورده می‌شوید. (۲۵)

ای اولاد آدم، برای شما لباسی که آلت‌های جنسی شما را بپوشاند و زینت شما باشد نازل کردیم. البته لباس تقوا بهتر است. این از آیات خدا است شاید آن‌ها متوجه شوند. (۲۶)

ای فرزندان آدم، شیطان شما را فریب ندهد همان‌طور که پدر و مادرتان را از بهشت بیرون کرد. لباس آن‌ها را از تنشان درآورد تا آن‌ها را متوجه آلات جنسی خودشان بکند. او و قبیله‌اش شما را از جایی می‌بینند که شما آن‌ها را نمی‌بینید. ما شیطان‌ها را اولیای افراد بی‌ایمان ساختیم. (۲۷)

وقتی کار زشتی می‌کنند می‌گویند: پدرانمان را بر این‌کار یافتیم و خدا دستور آن را به ما داده است. بگو: خدا هیچوقت به کار زشت دستور نمی‌دهد. آیا ندانسته از قول خدا

حرف می‌زنید؟ (۲۸)

بگو: **خداوند من به عدالت امر کرده است و این‌که موقع نماز و در هر مسجدی رو به او آورید و در حالی‌که دین را برای او خالص کرده‌اید او را بخوانید.** همان‌طور که شما را آفرید پیش او برمی‌گردید. (۲۹)

خدا گروهی را هدایت کرد و گمراهی بر عده‌ای سزاوار شده. چون آن‌ها شیطان‌ها را به جای خدا اولیای خود گرفتند و خیال می‌کنند راه صحیح را شناخته‌اند. (۳۰)

ای فرزندان آدم، **موقع نماز و در مسجد لباس خوب بپوشید و بخورید و بنوشید ولی زیاده‌روی نکنید.** چون خدا کسانی را که زیاده‌روی می‌کنند دوست ندارد. (۳۱)

بگو: **چه کسی زینتی که خدا برای بندگانش بوجود آورده و خوردنی‌های پاک را حرام کرده است؟** بگو: این‌ها در زندگی دنیا مال افراد باایمان است و روز قیامت هم فقط به

آن‌ها اختصاص دارد. ما آیات را این‌طور برای دانایان توضیح می‌دهیم. (۳۲)

بگو: **خداوند من فقط کارهای زشت را چه آشکار باشد چه پنهان، و گناه و تجاوز به ناحق و شرک به خدا را که دلیلی برای آن نازل نکرده، و از قول خدا ندانسته حرف زدن را حرام کرده است.** (۳۳)

برای ایمان آوردن هر دسته‌ای مهلتی وجود دارد، وقتی مهلتشان تمام شد نمی‌توانند ساعتی عذاب را عقب یا جلو بیاندازند. (۳۴)

ای فرزندان آدم، وقتی پیغمبرانی از خودتان که آیات مرا به شما می‌گویند پیش شما آمدند بدانید کسانی‌که پرهیزکار شدند و کار خود را اصلاح کردند ترس و غصه‌ای ندارند. (۳۵)

و کسانی‌که آیات ما را انکار کردند و تکبر ورزیدند اهل آتش جهنم هستند و همیشه در آن خواهند بود. (۳۶)

چه کسی ظالم‌تر از انسانی است که دروغی را به خدا افترا بزند (از قول خدا بگوید) یا منکر آیات خدا شود؟ سهم آن‌ها از آنچه برای ایشان مقرر شده به آن‌ها می‌رسد. وقتی که فرستادگان ما برای گرفتن جانشان پیش آن‌ها بیایند به آن‌ها می‌گویند: **کسانی را که غیر از خدا می‌خواندید کجا هستند؟ می‌گویند: آن‌ها را گم کرده‌ایم، علیه خود شهادت می‌دهند که کافر بودند.** (۳۷)

خداوند گفت: شما هم با گروه‌های جن و انسی که قبل از شما از دنیا رفتند وارد آتش جهنم شوید. هر گاه گروهی وارد جهنم شوند گروه دیگر را لعنت می‌کنند تا وقتی که همگی وارد جهنم شوند و به هم برسند. بعدی‌ها درباره قبلی‌ها می‌گویند: **خداوندا، این‌ها ما را گمراه کردند، عذاب آن‌ها را از آتش جهنم چند برابر بده.** خداوند می‌گوید: **عذاب همه دوبرابر است ولی شما نمی‌دانید.** (۳۸)

قبلی‌ها به بعدی‌ها می‌گویند: **شما فضلی بر ما ندارید، بنابراین عذاب را به‌خاطر**

کارهایی که کرده‌اید بچشید. (۳۹)

درهای آسمان برای کسانی که منکر آیات ما شدند و خود را بالاتر از آن دیدند که آن را بپذیرند باز نمی‌شود و وارد بهشت نمی‌شوند تا موقعی که شتر از سوراخ سوزن رد شود. ما گناهکاران را این‌طور مجازات می‌کنیم. (۴۰)

جای آن‌ها در جهنم است و پرده‌هایی از آتش بالای سر آن‌ها است. ما ستمکاران را این‌طور مجازات می‌کنیم. (۴۱)

و کسانی که ایمان آوردند و کار درست کردند اهل بهشت خواهند بود. و همیشه در آن هستند. البته ما هیچ‌کس را بیشتر از توانایش مکلف نمی‌کنیم. (۴۲)

ما هر کینه‌ای را که در دل دارند از آن خارج می‌کنیم، زیر پای آن‌ها نهرها روان است و می‌گویند: ستایش اختصاص به خدا دارد که ما را به چنین جایی راهنمایی کرد، اگر خدا ما را هدایت نمی‌کرد خودمان هدایت نمی‌شدیم. پیغمبران خداوندان حقیقت را برای ما آوردند، به آن‌ها گفته می‌شود: این بهشتی است که به‌خاطر کارهایی که می‌کردید به شما داده شده است. (۴۳)

اهل بهشت به اهل جهنم می‌گویند: ما وعده‌ای که خداوندان به ما داده بود درست یافتیم، آیا شما هم وعده‌ای که خداوندان به شما داده بود درست یافتید؟ می‌گویند: بله. آن وقت اعلام‌کننده‌ای میان آن‌ها اعلام می‌کند که لعنت خدا بر ستمکاران. (۴۴)

ستمکارانی که مردم را از راه خدا باز می‌دارند و انحراف آن را می‌خواهند و منکر آخرت هستند. (۴۵)

بین این دو دسته مانعی هست و در اعراف مردانی هستند که هر کدام آن‌ها را با علامتشان می‌شناسند و بهشتیان را صدا می‌زنند و می‌گویند: سلام بر شما. این‌ها هنوز وارد آن نشده‌اند ولی امید آن را دارند. (۴۶)

و وقتی چشمشان متوجه اهل جهنم می‌شود، می‌گویند: خداوندان، ما را در شمار افراد ظالم قرار مده. (۴۷)

اهل اعراف، مردانی را که از روی علامتشان می‌شناسند صدا می‌زنند و می‌گویند: جمعیت شما و تکبری که داشتید نفعی برای شما نداشت. (۴۸)

آیا این‌ها همان افرادی هستند که قسم می‌خوردید که خدا رحمتی به آن‌ها نمی‌کند؟ به آن‌ها گفته می‌شود: وارد بهشت شوید، ترسی و غصه‌ای ندارید. (۴۹)

اهل جهنم اهل بهشت را صدا می‌زنند و می‌گویند: مقداری آب یا مقداری از آنچه خدا روزی شما کرده به ما بدهید. اهل بهشت می‌گویند: خدا این‌ها را برای افراد بی‌ایمان حرام کرده است. (۵۰)

ما امروز افراد بی‌ایمانی را که دینشان را سرگرمی و بازی پنداشتند و زندگی دنیا آن‌ها را فریب داد فراموش می‌کنیم همان‌طور که دیدار امروزشان را فراموش کردند و

منکر آیات ما می‌شدند. (۵۱)

ما کتابی برای ایشان آوردیم و با آگاهی آن را توضیح دادیم. کتابی که برای افراد باایمان هدایت و رحمت است. (۵۲)

آیا انتظار تاویل آن را دارند؟ روزی که تاویل آن بیاید افرادی که قبلاً آن را فراموش کردند، می‌گویند پیغمبران خدای ما حقیقت را برای ما آوردند. آیا شفیع‌هایی وجود دارند که شفاعت ما را بکنند؟ یا ما را برگردانند تا عملی غیر از آنچه می‌کردیم بکنیم؟ آن‌ها خودشان ضرر کردند و شفیعانی را که به دروغ می‌تراشیدند پیدا نمی‌کنند. (۵۳)

ارباب (صاحب اختیار) شما خدا است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز (شش مرحله) آفرید، آنگاه به عرش پرداخت. روز را با شب می‌پوشاند که با میل دنبال آن می‌گردد، خورشید و ماه و ستارگان به امر او مسخر شده‌اند. بدانید که آفرینش و فرمان در اختیار او است. خدا، صاحب‌اختیار همه مردم جهان، پاک و پربرکت است. (۵۴)

خداوندتان را با تضرع (تواضع و فروتنی) و پنهانی بخوانید. چون او افراد متجاوز را دوست ندارد. (۵۵)

در زمین پس از اصلاح آن، فساد نکنید و او را با ترس و امید بخوانید. چون رحمت خدا به افراد نیکوکار نزدیک است. (۵۶)

اوست که قبل از رحمتش باده‌ها را برای بشارت می‌فرستد تا این‌که ابرهای سنگین را جابجا کند. ما آن ابرها را به طرف سرزمین مرده می‌بریم و از آن باران را نازل می‌کنیم و به وسیله آن هر نوع محصولی پدید می‌آوریم. ما مرده‌ها را این‌طور زنده می‌کنیم. برای این‌که شما متوجه شوید. (۵۷)

زمین پاک گیاهش را به دستور خداوندش می‌رویاند و زمین ناپاک جز گیاهانی کم و بی‌فایده نمی‌رویاند. ما آیات را برای افرادی که سپاسگزاری می‌کنند، این‌طور روشن می‌کنیم. (۵۸)

ما نوح را پیش قومش فرستادیم. او گفت: **خدا را بندگی کنید، معبودی (کسی که بنده و مطیع محض و بی‌چون و چرای دستوره‌های او باشید) غیر از او برای شما وجود ندارد، من از عذاب روز بزرگ بر شما می‌ترسم. (۵۹)**

سران قومش گفتند: ما تو را در گمراهی آشکاری می‌بینیم. (۶۰)

نوح گفت، ای قوم من، من گمراه نیستم ولی من فرستاده صاحب‌اختیار همه مردم جهان هستم. (۶۱)

پیام خداوند را به شما می‌گویم و خیر شما را می‌خواهم و از طرف خدا چیزهایی را می‌دانم که شما نمی‌دانید. (۶۲)

آیا از این‌که مردی از خودتان تذکری از جانب خداوندتان برای شما بیاورد تا به شما هشدار بدهد که پرهیزکار باشید تا مورد رحمت قرار بگیرید تعجب می‌کنید؟ (۶۳)

ولی حرف او را قبول نکردند و ما او و کسانی را که با او ایمان آورده بودند با کشتی نجات دادیم و کسانی را که منکر آیات ما شدند غرق کردیم. آن‌ها افراد کوردلی بودند. (۶۴)

به سوی قوم عاد برادرشان هود را فرستادیم. او گفت: ای قوم من، خدا را بندگی کنید، معبودی (کسی که بنده و مطیع محض و بی‌چون و چرای دستورهای او باشید) غیر از او برای شما وجود ندارد، آیا از نافرمانی و عذاب خدا نمی‌ترسید؟ (۶۵)
سران بی‌ایمان قومش گفتند: تو را آدم کم‌عقلی می‌بینیم و گمان می‌کنیم که دروغ‌گویی. (۶۶)

هود گفت: من کم‌عقل نیستم ولی فرستاده صاحب‌اختیار همه مردم جهان هستم. (۶۷)
پیام خداوند را به شما می‌رسانم و من خیرخواه امین شما هستم. (۶۸)
آیا از این تعجب می‌کنید که برای شما تذکری از جانب خداوندتان بر مردی از خودتان آمده تا به شما هشدار بدهد؟ وقتی را به یاد آورید که شما را بعد از قوم نوح جانشین کرد و شما را از لحاظ بدنی بزرگتر از آنان ساخت. پس نعمت‌های خدا را به یاد آورید شاید رستگار شوید. (۶۹)

گفتند: آیا آمده‌ای که ما فقط خدا را بندگی کنیم و آنچه را که پدرانمان می‌پرستیدند ترك کنیم؟! اگر راست می‌گویی عذابی را که ما را از آن می‌ترسانی برای ما بیاور. (۷۰)
هود گفت: عذاب و غضب خداوندتان بر شما واقع شده. آیا با من درباره اسم‌هایی که خودتان و پدرانتان گذاشته‌اید بگویم؟ خدا هیچ دلیلی برای وجود آن‌ها نازل نکرده، بنابراین انتظار بکشید، من هم با شما انتظار می‌کشم. (۷۱)
بنابراین ما با رحمت خود، او و افرادی که با او بودند را نجات دادیم و دنباله کسانی را که منکر آیات ما می‌شدند و ایمان نداشتند قطع کردیم. (۷۲)

و به سوی قوم ثمود برادرشان صالح را فرستادیم. صالح به آن‌ها گفت: ای قوم من، خدا را بندگی کنید، معبودی (کسی که در مقابل او احساس یا ابراز کوچکی کنید و بدون چون و چرا از دستورهای او پیروی کنید) غیر از خدا برای شما وجود ندارد. دلیل روشنی از جانب خداوندتان برای شما آمده، این شتر مال خداست. نشانه‌ای برای شماست، بگذارید در زمین خدا بچرد و آسیبی به او نرسانید، چون عذاب دردناکی شما را فرا می‌گیرد. (۷۳)

زمانی را به یاد آورید که خدا شما را بعد از قوم عاد در زمین جانشین ساخت و شما را در آن قرار داد که در دشت‌های آن قصر می‌سازید و از کوه‌ها خانه می‌تراشید.
بنابراین نعمت‌های خدا را به یاد داشته باشید و در زمین به فساد دامن نزنید. (۷۴)
سران قومش که تکبر داشتند به افراد ضعیفشان که به حرف‌های صالح ایمان آورده بودند گفتند: آیا شما می‌دانید که صالح از جانب خداوندش فرستاده شده؟! آن‌ها گفتند: ما

به رسالتی که برای آن فرستاده شده ایمان داریم. (۷۵)

متکبران گفتند: ما آن چیزی را که شما به آن ایمان دارید، قبول نداریم. (۷۶)

بنابراین شتر را کشتند و از امر خداوندشان سرپیچی کردند و گفتند که ای صالح، اگر پیغمبری، عذابی را که به ما وعده می‌دهی برای ما بیاور. (۷۷)

در نتیجه دچار زلزله شدند و در خانه‌هایشان از پا درآمدند. (۷۸)

صالح از آن‌ها رو گرداند و گفت: ای قوم من، پیام خداوندم را به شما ابلاغ کردم و شما را نصیحت کردم ولی شما افرادی را که نصیحت می‌کنند دوست ندارید. (۷۹)

و زمانی را یادآوری کن که لوط به قومش گفت: آیا کار زشتی می‌کنید که احدی از افراد بشر قبل از شما چنین کاری نکرده است؟! (۸۰)

شما به جای زنان با مردان شهوترانی می‌کنید. شما افراد متجاوزی هستید. (۸۱)

جواب قومش فقط این بود که آن‌ها را از شهرتان بیرون کنید، این‌ها آدم‌هایی هستند که تظاهر به پاکی می‌کنند. (۸۲)

بنابراین ما او و خانواده‌اش را، غیر از زنش، نجات دادیم. زنش از افرادی بود که گرفتار عذاب شدند. (۸۳)

و بر آن‌ها بارانی (از سنگ) بارانیدیم. نگاه کن عاقبت گناهکاران چه بود. (۸۴)

به شهر مدین برادرشان شعیب را فرستادیم. شعیب گفت: ای قوم من خدا را بندگی کنید، معبودی غیر از او برای شما وجود ندارد. دلیل روشنی از جانب خداوندتان برای شما آمده، بنابراین پیمان‌ها و وزن را کامل بدهید و اموال مردم را کم ندهید و در زمین پس از اصلاح آن خرابکاری نکنید، اگر افراد باایمانی هستید بدانید که این‌کار برای شما بهتر است. (۸۵)

سر هر راهی ننشینید تا مردم را بترسانید، تا شخصی را که ایمان آورده از راه خدا باز دارید و در صدد انحراف آن‌ها باشید. وقتی را به‌خاطر آورید که شما کم بودید و خدا شما را زیاد کرد. نگاه کنید که عاقبت کار خرابکاران چه بود. (۸۶)

اگر عده‌ای از شما به پیامی که برای شما آورده‌ام ایمان آوردند و عده‌ای ایمان نیاوردند، شما صبر و استقامت داشته باشید تا خدا بین ما حکم کند. او بهترین حکم‌کننده است. (۸۷)

سران متکبر قومش گفتند: ای شعیب، تو را و تمام کسانی را که با تو ایمان آورده‌اند از شهرمان بیرون می‌کنیم یا به دین ما برمی‌گردید. شعیب گفت: حتی اگر از این کار بدمان بیاید؟! (۸۸)

بعد از این‌که خدا ما را از شرک نجات داد اگر به دین شما برگردیم دروغی را به خدا افترا زده‌ایم. سزاوار ما نیست که به آیین شرک برگردیم مگر این‌که صاحب‌اختیار ما، خدا، بخواهد. دامنه علم خداوند ما شامل همه چیز می‌شود. بر خدا توکل کرده‌ایم.

خداوندا، بین ما و قوم ما به حق داوری کن، تو بهترین داور هستی. (۸۹)

سران کافر قومش گفتند: اگر از شعیب پیروی کنید زیانکارید. (۹۰)

زلزله آنها را فرا گرفت و در خانه خودشان از پا درآمدند. (۹۱)

افرادی که منکر شعیب شده بودند، مثل این‌که اصلاً در آن شهر نبوده‌اند. منکرین شعیب زیان کردند. (۹۲)

شعیب از آنها رو گرداند و گفت: ای قوم من، من پیغام خداوندم را به شما رساندم و شما را نصیحت کردم، پس چگونه و چرا بر نابودی افرادی که کافرند افسوس بخورم؟ (۹۳)

هیچ پیغمبری را به شهری نفرستادیم مگر این‌که اهل آن شهر را دچار فقر و قحطی کردیم، شاید متواضع شوند. (۹۴)

بعد رفاه را به جای فقر آوردیم تا این‌که زیاد شدند و ما را ندیده گرفتند و گفتند: رنج و راحتی به پدران ما رسید. ما ناگهان بدون این‌که توجه پیدا کنند آنها را دچار عذاب کردیم. (۹۵)

اگر اهالی شهرها ایمان بیاورند و پرهیزکار شوند، برای آنها درهای برکت را از آسمان و زمین باز می‌کنیم، ولی آنها منکر شدند لذا ما آنها را به خاطر کارهایی که می‌کردند دچار عذاب کردیم. (۹۶)

آیا اهالی شهرها از این‌که عذاب ما شب در حالی‌که خوابند سراغ آنها بیاید در امان هستند؟ (۹۷)

یا از این‌که عذاب ما موقع صبح که در حال سرگرمی و بازی هستند سراغ آنها بیاید در امان هستند؟ (۹۸)

آیا خیالشان از عذاب خدا جمع است؟ در حالی‌که فقط افراد زیانکار (به علت نادانی) از نیامدن عذاب خدا خاطر جمع هستند. (۹۹)

آیا افرادی که زمین را پس از ساکنین قبلی آن به ارث بردند، هدایت نشده و نفهمیده‌اند که اگر بخواهیم آنها را به علت گناهانشان دچار مصیبت می‌کنیم و بر قلبشان مهر می‌زنیم که (حقیقت را) نشنوند. (۱۰۰)

این شهرهایی است که اخبار آن را به تو می‌گوییم. پیغمبرانشان دلایل روشن برای آنها آوردند و آنها کسانی نبودند که به آنچه قبلاً تکذیب می‌کردند ایمان بیاورند. خدا این‌طور بر دل‌های کافرین مهر می‌زند. (۱۰۱)

در اکثر آنها وفای به عهدی نیافتیم و بیشتر آنها را نافرمان یافتیم. (۱۰۲)

بعد از آنها موسی را با آیات خودمان پیش فرعون و سران کشورش فرستادیم ولی آنها به آیات ما ظلم کردند (آن را قبول نکردند). نگاه کن عاقبت کار تبهکاران چه بود. (۱۰۳)

موسی گفت: ای فرعون، من فرستاده صاحب‌اختیار همه مردم جهان هستم. (۱۰۴)
بر من واجب است که درباره خدا چیزی جز حق نگویم. معجزه‌ای از خداوندتان برای
شما آورده‌ام بنابراین بنی‌اسرائیل را با من بفرست. (۱۰۵)
فرعون گفت: اگر راست می‌گویی معجزه‌ای را که آورده‌ای به ما نشان بده. (۱۰۶)
لذا موسی عصایش را انداخت، ناگهان ازدهای آشکاری شد. (۱۰۷)
و دستش را از یقه‌اش درآورد که در نظر بینندگان سفید شده بود. (۱۰۸)
سران قوم فرعون گفتند: این مرد ساحر ماهری است. (۱۰۹)
می‌خواهد شما را از سرزمین خودتان بیرون کند، شما چه می‌فرمایید؟ (۱۱۰)
گفتند: کار موسی و برادرش را عقب بیانداز و افرادی را به شهرها بفرست تا ساحران
را جمع کنند. (۱۱۱)
تا هر ساحر زبردستی را پیش تو بیاورند. (۱۱۲)
ساحران پیش فرعون آمدند و گفتند: آیا اگر ما بر موسی غلبه کنیم پاداشی داریم؟
(۱۱۳)
فرعون گفت: آری، شما از مقربان ما خواهید بود. (۱۱۴)
جادوگران گفتند: ای موسی، تو اول عصایت را می‌اندازی یا ما بیاندازیم؟ (۱۱۵)
موسی گفت: شما بیاندازید. چون جادوگران عصاها و طناب‌هایشان را انداختند، چشم
مردم را سحر کردند و آن‌ها را ترساندند و سحر بزرگی نمودند. (۱۱۶)
ما به موسی وحی کردیم که عصایت را بیانداز. چون انداخت، همه چیزهایی را که
درست کرده بودند بلعید. (۱۱۷)
حق ثابت شد و کارهایی که می‌کردند باطل شد. (۱۱۸)
و جادوگران مغلوب و خوار شدند. (۱۱۹)
جادوگران به سجده افتادند. (۱۲۰)
و گفتند: ما به صاحب‌اختیار همه مردم جهان ایمان آوردیم. (۱۲۱)
به خدای موسی و هارون. (۱۲۲)
فرعون گفت: آیا قبل از این‌که به شما اجازه بدهم به او ایمان آوردید؟! این نقشه‌ای
است که در شهر کشیده‌اید تا اهالی آن را از آن بیرون کنید. نتیجه کار خود را خواهید
دانست. (۱۲۳)
دست و پایتان را بر خلاف هم می‌برم و بعد همه شما را به دار می‌زنم. (۱۲۴)
جادوگران گفتند: ما پیش صاحب‌اختیارمان برمی‌گردیم. (۱۲۵)
تو فقط به‌خاطر این از ما انتقام می‌گیری که چون آیات صاحب‌اختیارمان برای ما آمد
به آن ایمان آوردیم. خداوند، به ما صبر بده و ما را مسلمان (تسلیم حکم خودت) از
دنیا ببر. (۱۲۶)

سران قوم فرعون گفتند: آیا موسی و قومش را می‌گذاری که در زمین فساد کنند و تو و معبودهای تو را ترك کنند؟ فرعون گفت: پسرانشان را می‌کشیم و دخترانشان را زنده می‌گذاریم. ما بر آنها مسلط هستیم. (۱۲۷)

موسی به قومش گفت: از خدا کمک بخواهید و استقامت داشته باشید. زمین مال خدا است، آن را به هر يك از بندگانش که بخواهد می‌دهد. عاقبت کار متعلق به افراد پرهیزکار است. (۱۲۸)

قومش گفتند: ما قبلاً اذیت می‌شدیم و بعد از این‌که تو آمدی باز هم اذیت می‌شویم. موسی گفت: امکان دارد صاحب‌اختیار شما دشمن شما را نابود کند و شما را در زمین جانشین قدرت آنها کند تا ببیند شما چگونه عمل می‌کنید. (۱۲۹)

ما پیروان فرعون را دچار قحطی و کمبود محصول کردیم شاید متوجه شوند. (۱۳۰) وقتی وضع خوبی برای آنها پیش می‌آمد می‌گفتند: نتیجه کار خودمان است. و اگر بلایی به آنها می‌رسید آن را به نحسی موسی و افرادی که با او بودند نسبت می‌دادند. آگاه باشید که پیش‌آمدهای بد آنها از جانب خدا است ولی بیشتر آنها این را نمی‌دانند. (۱۳۱)

گفتند: هر معجزه‌ای بیاوری که ما را جادو کنی (باز هم) به تو ایمان نخواهیم آورد. (۱۳۲)

پس ما بر آنها طوفان و ملخ و شپش و قورباغه و خون را، که هر کدام از آنها معجزه‌ای بود، فرستادیم، ولی آنها تکبر ورزیدند، چون قوم گناهکاری بودند. (۱۳۳) وقتی عذاب بر آنها وارد شد گفتند: ای موسی، خداوندت را بر اساس عهده‌ای که با او داری بخوان، اگر عذاب را از ما برطرف کردی حتماً به تو ایمان می‌آوریم و بنی‌اسرائیل را با تو می‌فرستیم. (۱۳۴)

چون عذاب را تا وقتی که به پایان مهلتشان برسند از آنها برطرف کردیم، عهد خود را شکستند. (۱۳۵)

بنابراین ما از آنها انتقام گرفتیم و آنها را در دریا غرق کردیم، چون منکر آیات ما شدند و از آن غافل بودند. (۱۳۶)

و شرق و غرب زمینی را که به آن برکت داده بودیم به قومی که تضعیف می‌شدند واگذار کردیم. وعده خوب خداوند تو به بنی‌اسرائیل به‌خاطر استقامتی که به خرج دادند عملی شد و آنچه را فرعون و قومش می‌ساختند و ساختمان‌هایی را که بالا می‌بردند نابود کردیم. (۱۳۷)

و بنی‌اسرائیل را از دریا عبور دادیم و به قومی رسیدند که بت می‌پرستیدند. گفتند: ای موسی، برای ما معبودی (بتی که پرستیم) درست کن همان‌طور که آنها هم بت‌هایی دارند. موسی گفت شما افراد نادانی هستید. (۱۳۸)

بت‌هایی که این‌ها می‌پرستند از بین رفتنی است و کاری که می‌کنند باطل است. (۱۳۹)
آیا غیر از خدا دنبال معبودی برای شما بگردم؟ در صورتی که او شما را (با
فرستادن پیغمبران) بر جهانیان برتری داد. (۱۴۰)

زمانی را به یاد بیاورید که شما را از آل‌فرعون، که شما را به سختی عذاب می‌کردند،
نجات داد. آن‌ها پسران شما را می‌کشتند و دختران شما را زنده می‌گذاشتند. این کار از
طرف خداوندتان امتحان بزرگی بود. (۱۴۱)

با موسی قرار سی شب را گذاشتیم و آن را با ده شب دیگر کامل کردیم. قرار
خداوندش چهل شب شد. موسی به برادرش هارون گفت: در بین قوم من جانشین من
باش و کارها را درست کن و از راه افراد خرابکار پیروی مکن. (۱۴۲)

وقتی موسی به محل وعده ما آمد و خداوندش با او صحبت کرد موسی گفت: **خداوندا،
خودت را به من نشان بده تا تو را ببینم. خدا گفت: هرگز مرا نمی‌بینی ولی به کوه
نگاه کن، اگر سر جایش باقی ماند مرا خواهی دید.** چون خداوندش به کوه تجلی کرد آن
را با خاک یکسان کرد و موسی بی‌هوش افتاد. چون به هوش آمد گفت: خداوندا، تو
بالاخر از این هستی که دیده شوی، توبه کردم، من اولین مؤمن هستم. (۱۴۳)
خدا گفت: ای موسی، من تو را با پیام‌ها و سخنانم برگزیدم. آنچه به تو دادم بگیر و
سپاسگزار باش. (۱۴۴)

و در الواح تورات برای او هر نوع موعظه‌ای نوشتیم و هر چیزی را توضیح دادیم و
گفتیم: آن را با قدرت بگیر و به قومت دستور بده که آن را به بهترین وجه حفظ کنند.
جای افرادی را که اطاعت نکنند به شما نشان خواهم داد. (۱۴۵)

افرادی را که به ناحق در زمین تکبر می‌ورزند از آیاتمان باز می‌دارم. هر معجزه‌ای
ببینند به آن ایمان نمی‌آورند. اگر راه صحیح را ببینند آن را راه خود نمی‌گیرند و اگر
راه غلط را ببینند آن را در پیش می‌گیرند. این به‌خاطر آنست که منکر آیات ما شدند و
از آن غافل بودند. (۱۴۶)

کسانی که منکر آیات ما و دیدار آخرت شدند، اعمالشان از بین رفته است. آیا غیر از
این است که جزای اعمال خود را می‌بینند؟ (۱۴۷)

قوم موسی پس از رفتن موسی از زیورهایشان هیکل گوساله‌ای درست کردند که
صدایی می‌کرد. آیا ندیدند که با آن‌ها حرف نمی‌زند و راهی به آن‌ها نشان نمی‌دهد؟
آن‌ها، آن را معبود خود ساختند و ظلم کردند. (۱۴۸)

وقتی پشیمان شدند و دیدند که گمراه شده‌اند گفتند: اگر خداوندمان به ما رحم نکند و ما
را نیامرزد، حتماً از افراد زیانکار خواهیم بود. (۱۴۹)

وقتی موسی خشمگین و متأسف پیش قومش برگشت، گفت: بعد از رفتن من بد
جانشینی برای من بودید. آیا در کار خداوندتان عجله کردید؟ الواح را انداخت و موهای

سر برادرش را گرفت و به طرف خود می‌کشید. برادرش گفت: ای پسر مادرم، قوم مرا ضعیف کردند و نزدیک بود مرا بکشند. باعث نشو که دشمنان مرا سرزنش کنند و مرا جزو افراد ظالم قرار مده. (۱۵۰)

موسی گفت: خداوندا، من و برادرم را بیامرز و ما را مشمول رحمت خود ساز، تو بهترین رحمت‌کننده‌ای. (۱۵۱)

خشم خداوند و خواری در زندگی دنیا افرادی را که گوساله را خداوند خود ساختند، فرامی‌گیرد. ما کسانی را که افترا می‌زنند این‌طور مجازات می‌کنیم. (۱۵۲)

و خداوند تو افرادی را که کار بد کردند و بعد از آن توبه نمودند و ایمان آوردند می‌آمرزد، چون خدا آمرزنده و مهربان است. (۱۵۳)

وقتی خشم موسی فرونشست الواح را گرفت و در نوشته‌های آن برای افرادی که از خداوندشان می‌ترسیدند، هدایت و رحمت وجود داشت. (۱۵۴)

موسی از بین قومش هفتاد نفر را برای میعاد ما انتخاب کرد. وقتی دچار زمین‌لرزه شدند موسی گفت: خداوندا، اگر می‌خواستی قبلاً آن‌ها مرا هلاک می‌کردی، آیا ما را به علت کارهایی که افراد نادان ما کردند هلاک می‌کنی؟ این فقط امتحان تو است. هر کسی را که بخواهی گمراه می‌کنی و هر کس را بخواهی هدایت می‌کنی. تو یاور مایی، ما را بیامرز و به ما رحم کن. تو بهترین آمرزنده‌ای. (۱۵۵)

وضع خوبی برای ما در دنیا و آخرت مقرر فرما. ما به راه تو هدایت شدیم (یا به قولی، به سوی تو بازگشتیم). خداوند گفت: عذاب من به هر کس که بخواهم می‌رسد و رحمت من شامل هر چیزی است. آن را برای افرادی که مسلط بر هوس‌های خود هستند و زکات می‌دهند و به آیات ما ایمان می‌آورند مقرر می‌کنم. (۱۵۶)

افرادی که از (این) رسول پیروی می‌کنند، پیغمبر درس نخوانده‌ای که نامش را در تورات و انجیل می‌یابند، که آن‌ها را به کارهای نیک امر کرده و از کارهای زشت نهی می‌کند و خوردنی‌های پاک را برای آن‌ها حلال می‌کند و ناپاک‌ها را حرام می‌سازد و بار سنگین و قید و بندهایی که بر دوش آن‌ها بود برمی‌دارد. بنابراین افرادی که به او ایمان آوردند و به او احترام گذاشتند و او را یاری کردند و از نوری که با او نازل شده پیروی کردند، رستگار هستند. (۱۵۷)

بگو: ای مردم، من فرستاده خدا برای همه شما هستم. خدایی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین مال او است. معبودی (کسی که بنده و مطیع محض و بی‌چون و چرای او باشید) غیر از او وجود ندارد. زنده می‌کند و می‌میراند. بنابراین به خدا و رسول نبی بی‌سوادش که به خدا و کلماتش ایمان دارد ایمان بیاورید و از او پیروی کنید تا هدایت شوید. (۱۵۸)

عده‌ای از قوم موسی مردم را به حق هدایت می‌کنند و به وسیله آن عدالت را اجرا

می‌کنند. (۱۵۹)

بنی‌اسرائیل را به دوازده قبیله و گروه تقسیم کردیم. وقتی از موسی آب خواستند، به موسی وحی کردیم که با عصایت به سنگ بزن. چون زد، دوازده چشمه از آن روان شد و هر گروهی محل آب خوردن خود را می‌شناخت. ابر را سایبان ایشان ساختیم و «من و سلوی» (دو نوع خوردنی) برای آن‌ها فرستادیم و گفتیم: از خوردنی‌های پاکی که نصیب شما کرده‌ایم بخورید. آن‌ها به ما ظلم نکردند، ولی به خودشان ظلم کردند. (۱۶۰)

وقتی را یادآوری کن که به آن‌ها گفته شد: در این شهر ساکن شوید و از هر جای آن که خواستید بخورید و بگویید گناهان ما را ببخش و با فروتنی از در وارد شوید تا خطاهای شما را بیامرزیم. ما پاداش نیکوکاران را زیاد می‌کنیم. (۱۶۱)

ستمکاران آن‌ها سخنی را که به آن‌ها گفته شده بود عوض کردند، لذا ما به خاطر ظلمی که کردند عذابی آسمانی برای آن‌ها فرستادیم. (۱۶۲)

درباره شهری که کنار دریا قرار داشت از آن‌ها سؤال کن، آن وقتی که در روز شنبه تجاوز می‌کردند (به جای تعطیل کار می‌کردند). وقتی که ماهی‌ها روز شنبه روی آب می‌آمدند و روزهای غیر از شنبه پیش آن‌ها نمی‌آمدند. ما آن‌ها را به سبب نافرمانی‌شان این‌طور امتحان کردیم. (۱۶۳)

آن وقتی که عده‌ای از آن‌ها گفتند: چرا افرادی را که خدا آن‌ها را هلاک می‌کند یا آن‌ها را به سختی عذاب می‌کند موعظه می‌کنید؟ گفتند: این موعظه معذرتی برای ما پیش خداوند شما است. ممکن است آن‌ها پرهیزکار شوند. (۱۶۴)

چون تذکره‌هایی را که به آن‌ها داده شده بود فراموش کردند افرادی را که از بدی نهی می‌کردند نجات دادیم و ستمکاران را به علت اطاعت نکردنشان به عذاب سختی دچار کردیم. (۱۶۵)

چون از کارهایی که نهی شده بودند سرپیچی کردند، به آن‌ها گفتیم: میمون‌های رانده شده باشید. (۱۶۶)

و زمانی که خداوندت اعلام کرد که تا روز قیامت کسانی را علیه آن‌ها برمی‌انگیزد که آن‌ها را به سختی عذاب کنند. چون حسابرسی خداوندت سریع است، و او آمرزنده مهربان است. (۱۶۷)

آن‌ها را در زمین به صورت طایفه‌هایی درآوردیم. عده‌ای از آن‌ها درستکارند و عده‌ای برخلاف آن، و آن‌ها را با خوبی‌ها و بدی‌ها امتحان کردیم شاید به اطاعت از دستورهای خداوند برگردند. (۱۶۸)

بعد از آن‌ها افرادی جای آن‌ها را گرفتند که وارث کتاب شدند. آن‌ها متاع این دنیا را ترجیح دادند و می‌گویند: گناهان ما آمرزیده خواهد شد. اگر با متاعی مثل آن برخورد

کنند آن را می‌گیرند. آیا از آن‌ها در تورات تعهد گرفته نشده که **فقط حقیقت** را از قول **خدا بگویند؟** و آن‌ها آنچه در تورات است خوانده‌اند. خانه آخرت برای افراد پرهیزکار بهتر است، آیا این را نمی‌فهمید؟ (۱۶۹)

کسانی که پایبند کتاب الهی هستند و نماز را به پا می‌دارند (درستکارند). ما پاداش درستکاران را ضایع نمی‌کنیم. (۱۷۰)

و وقتی را یادآوری کن که کوه را مثل چتری بالای سرشان قرار دادیم و خیال کردند که روی آن‌ها می‌افتد، و به آن‌ها گفتیم: توراتی را که به شما داده شده با قوت تمام بگیرید و آنچه در آن است یادآوری کنید تا پرهیزکار شوید. (۱۷۱)

هنگامی را یادآوری کن که خداوندت از پشت فرزندان آدم، نسل‌های آن‌ها را گرفت و آن‌ها را بر خودشان شاهد ساخت و گفت: آیا من خداوند شما نیستم؟ گفتند: آری، شهادت می‌دهیم. تا روز قیامت نگویند که ما از این مطلب غافل بودیم. (۱۷۲)

یا نگویند که قبلاً پدران ما مشرک بودند و ما نسل بعد از آن‌ها بودیم، آیا ما را به علت کارهایی که طرفداران باطل کردند هلاک می‌کنی؟ (۱۷۳)

ما آیات را این‌طور توضیح می‌دهیم تا به اطاعت از کتاب الهی برگردند. (۱۷۴)

سرگذشت کسی که آیاتمان را به او دادیم برای آن‌ها بخوان که چطور از آن جدا شد و شیطان دنبال او رفت و او را گمراه کرد. (۱۷۵)

اگر می‌خواستیم قدر او را به وسیله آیاتمان بالا می‌بردیم، ولی او به زمین دل بست و از دلخواه خود پیروی کرد. حکایت او مثل حکایت سگ است که اگر به او حمله کنی، زبانش را از دهان بیرون می‌آورد و اگر او را ترک کنی، باز همین کار را می‌کند. این حکایت افرادی است که منکر آیات ما شدند. داستان‌ها را به آن‌ها بگو، شاید درباره آن فکر کنند. (۱۷۶)

حکایت افرادی که منکر آیات ما شدند و به خودشان ظلم کردند چقدر بد است. (۱۷۷)

کسی را که خدا هدایت کند هدایت شده و کسانی را که گمراه کند زیانکارند. (۱۷۸)

تعداد زیادی از جن و انس را برای جهنم آفریده‌ایم. **دل دارند ولی با آن نمی‌فهمند، چشم دارند ولی با آن نمی‌بینند، گوش دارند ولی با آن نمی‌شنوند، آن‌ها مثل چهارپایان هستند، بلکه از آن‌ها گمراه‌ترند.** آن‌ها غافل هستند. (۱۷۹)

خدا اسم‌های نیکویی دارد، او را با آن‌ها بخوانید و کسانی را که اسم‌های خدا را **تحریف می‌کنند ترك کنید.** آن‌ها مجازات کارهایی را که می‌کردند خواهند دید. (۱۸۰)

عده‌ای از افرادی که خلق کرده‌ایم، مردم را به حق هدایت می‌کنند و به وسیله آن عدالت را رعایت می‌کنند. (۱۸۱)

کسانی را که منکر آیات ما شدند کم‌کم از جایی که نمی‌دانند گرفتار می‌کنیم. (۱۸۲)

و به آن‌ها مهلت می‌دهم، نقشه من دقیق است. (۱۸۳)

آیا فکر نکردند که دوستشان (پیغمبر) دیوانه نیست؟ او فقط آشکارا مردم را از عواقب کار بدشان برحذر می‌دارد. (۱۸۴)

آیا در ملکوت آسمان‌ها و زمین و آنچه خدا آفریده نگاه نکردند؟ شاید پایان مهلتی که به آن‌ها داده شده نزدیک باشد. آن‌ها بعد از قرآن به چه سخنی ایمان می‌آورند؟ (۱۸۵)
کسانی را که خدا گمراه کند، راهنمایی برای آن‌ها وجود ندارد و آن‌ها را در طغیانشان سرگردان می‌گذارد. (۱۸۶)

از تو می‌پرسند که قیامت چه وقت برقرار می‌شود؟ بگو: علم آن فقط پیش خداوند من است. و خداوند آن را فقط در وقت خود آشکار می‌سازد. قیامت بر آسمان‌ها و زمین سنگین است. ناگهانی سراغ شما می‌آید. از تو (درباره قیامت) سؤال می‌کنند مثل این که تو از آن خبر داری. بگو: فقط خدا از آن اطلاع دارد، ولی بیشتر مردم این را نمی‌دانند. (۱۸۷)

بگو: من مالک نفع و ضرری برای خودم نیستم مگر تا آنجا که خدا بخواهد. اگر غیب می‌دانستم نفع بیشتری به دست می‌آوردم و آسیبی به من نمی‌رسید. من فقط بیم‌دهنده و مژده‌دهنده افراد باایمان هستم. (۱۸۸)

خدا وجودی است که شما را از یک تن آفرید و همسرش را هم از آن قرار داد تا با آن آرامش بیابد. چون با او آمیزش کرد، بار سبکی گرفت و مدتی با آن گذراند. چون بارش سنگین شد، هر دو آن‌ها خداوند صاحب‌اختیارشان را خواندند که اگر به ما فرزند صالحی بدهی سپاسگزار خواهیم بود. (۱۸۹)

چون خداوند فرزند صالحی به آن‌ها داد، در دادن فرزند صالحی که خدا به آن‌ها داد شریکانی درست کردند. خدا خیلی بالاتر از چیزهایی است که شریک او می‌سازند. (۱۹۰)

آیا چیزهایی را شریک خدا می‌سازند که چیزی خلق نکرده‌اند و خودشان هم خلق شده‌اند؟ (۱۹۱)

آن‌ها توانایی کمک به ایشان را ندارند و خودشان را هم نمی‌توانند یاری کنند. (۱۹۲)
اگر آن‌ها را به هدایت دعوت کنید از شما پیروی نمی‌کنند. برای شما مساوی است چه دعوتشان بکنید چه ساکت باشید. (۱۹۳)

کسانی را که غیر از خدا می‌خوانید، بندگانی مثل شما هستند. اگر راست می‌گویید آن‌ها را بخوانید تا دعای شما را اجابت کنند. (۱۹۴)

آیا پایی دارند که با آن راه بروند؟ یا دستی دارند که با آن کاری بکنند؟ یا چشمی دارند که با آن ببینند؟ یا گوشی دارند که با آن بشنوند؟ بگو: شریکانی را که برای خدا قائل هستید دعوت کنید، بعد هر نقشه‌ای که از دستتان برمی‌آید برای نابودی من بکشید و مهلتی به من ندهید. (۱۹۵)

مولا و یاور من خدا است که قرآن را نازل کرده و او یار و یاور افراد درستکار است.
(۱۹۶)

کسانی را که غیر از خدا به کمک خود می‌خوانید، توانایی یاری شما را ندارند،
خودشان را هم نمی‌توانند یاری کنند. (۱۹۷)

اگر آن‌ها را به راه صحیح دعوت کنید نمی‌شنوند و آن‌ها را می‌بینی که به تو نگاه
می‌کنند ولی نمی‌بینند. (۱۹۸)

آن‌ها را ببخش و به کار نیک امر کن و از افراد نادان روگردان باش. (۱۹۹)
اگر از شیطان وسوسه‌ای به تو رسید به خدا پناه ببر، چون او شنوا و دانا است. (۲۰۰)
وقتی شیطان افراد پرهیزکار را وسوسه کند خدا را یاد می‌کنند، آن وقت بصیرت پیدا
می‌کنند. (۲۰۱)

دوستانشان آن‌ها را به گمراهی می‌کشانند و در این کار کوتاهی نمی‌کنند. (۲۰۲)
وقتی آیه‌ای برای آن‌ها نیامد می‌گویند: چرا آیه‌ای انتخاب نکردی؟ بگو: من فقط از
آنچه از خداوندم به من وحی می‌شود پیروی می‌کنم. این قرآن برای افراد باایمان
وسیله بینش و راهنمایی و رحمتی از طرف خداوند شما است. (۲۰۳)
وقتی قرآن خوانده می‌شود به آن گوش کنید و ساکت باشید تا مورد رحمت قرار
گیرید. (۲۰۴)

خداوندت را صبح و شب با فروتنی و ترس، آهسته در دلت یاد کن و از افراد بی‌توجه
نباش. (۲۰۵)

کسانی که در پیشگاه خداوند تو هستند در بندگی او تکبر نمی‌ورزند و او را به پاکی
می‌ستایند و به او سجده می‌کنند. (۲۰۶)